

# نگاهی به شرح حال و آثار محمدحسین ضیای اصفهانی شاعری خوشنویس از مکتب بازگشت

نازیلا صراف نژاد

## چکیده

محمدحسین متخلص به ضیا از فضل‌زادگان اصفهان، شاعر و خوشنویس عهد فتحعلی‌شاه، محمدشاه و حکومت منوچهرخان معتمدالدوله حاکم اصفهان در قرن سیزدهم هجری قمری است. وی یکی از سرایندگان «مکتب بازگشت» و شعرهایش از این دیدگاه قابل ارزیابی است. همچنین وجود قالبهای گوناگون شعری و انواع آرایه‌های ادبی در دیوان وی این نکته را یادآور می‌شود که با اینکه سستی‌هایی در برخی از آنها وجود دارد؛ اما در سرودن انواع شعر مهارت داشته یا دست کم خود را این‌گونه می‌نمایانده است. چنانکه از محتویات دیوان وی برمی‌آید، در فنون انشا، مستوفی‌گری، علم سیاق و احکام نجوم نیز دست داشته و بنابر شواهد و آنچه در تذکره‌ها آمده در سرودن ماده‌تاریخ شاعری توانا و از خوشنویسان سرآمد روزگار خود بوده است. آثار شعر و خط او در برخی سنگ قبرهای تخت‌فولاد اصفهان، گواهی بر این مطلب است.

احمد منزوی در فهرست نسخه‌های خطی فارسی، دیوان وی را منحصر به فرد دانسته که در کتابخانه «ملک» به شماره ۵۱۷۵ موجود است. نگارنده به سبب یگانگی تخلص این شاعر با تخلص میرزا نورالله رودشتی کفرانی در کتاب منزوی، پس از مراجعه به این نسخه در ذیل نام نورالله رودشتی به شماره ۲۳۵/۱ کتابخانه مجلس ملی شورای اسلامی و مقابله با نسخه ملک دریافت که این اثر نسخه دیگری از دیوان محمدحسین ضیای اصفهانی است که منزوی به اشتباه آن را اثر کس دیگری بیان کرده است (۱۴: ص ۲۴۱). این امر سبب شد تصحیح و مقابله‌ای از دو نسخه دیوان انجام شود و شعرهایی از او که در تذکره‌ها آمده، اما

در دیوانش نیست به همراه ماده‌تاریخ‌های سروده‌وی که از سنگ قبور گردآوری شده، پیوست دیوان گردد و ارزیابی شود. کلیات این دیوان دارای ۸۲ قصیده، ۱۳۳ غزل، ۳۳ قطعه، ۲ ترجیع‌بند، ۲ ترکیب‌بند، ۱ مستزاد و رباعی و پیوستی شامل ۶ قطعه است. واژه‌های کلیدی: دیوان، نسخه، تذکره، ماده‌تاریخ، خوشنویسی، خط، بیت، محمدحسین ضیای اصفهانی، سنگ قبور.

## مقدمه

در سده سوم (سال ۲۵۲ ه. ق) نخستین بار شاعران پارسیگو برای یعقوب لیث صفاری شعر فارسی سرودند. از آن زمان تا امروز هزاران شاهکار نظم و نثر در زبان فارسی به وجود آمده که بسیاری از آنها زینت‌بخش صفحات تاریخ ایران‌زمین است و شکوفه‌های ذوق و اندیشه در بوستان سخن فارسی شکفته و نهال ادب فارسی بارورتر شده است تا جایی که جان شیفتگان ادب و هنر را در سراسر جهان هر چند نا آشنا به این زبان به وجد می‌آورد.

لفظی که از لطافت آن جان کند حضور  
رقصد زبان به سازش و آید به دیده نور  
فارم چو صوت بلبل و دلبر چو آبشار  
لفظی که اعتقاد من است و مرا وجود  
لفظی که پیش هر سخمن آورد سجود  
کاین عشق پاک در دل دل‌پرور جهان  
ماند همی جوان

تا هست آدمی تا هست عالمی  
(عبید رجب، شاعر معاصر تاجیک)

این همه ذوق و اندیشه و این اندازه شاهکار ادبی، در کمتر زبانی یافت می‌شود. با نگرشی کاوشگرانه در این آثار، هزاران کتاب و رساله نظم و نثر را می‌بینیم که بسیاری از آنها به چاپ رسیده و بسیاری دیگر هنوز به صورت نسخه خطی موجود است (۷: مقدمه، ص ۳-۴).

دیوان محمدحسین ضیای اصفهانی یکی از هزاران نسخ خطی است که از سده ۱۳ ه. ق متعلق به دوره بازگشت به یادگار مانده؛ که نگارنده عهده‌دار تصحیح و زنده‌داشت این اثر شده است.

وی از جمله شاعرانی است که از انجمن ادبی این مکتب برخاسته است و همانند دیگر شاعران این دوره، به پیروی از سخن‌سرایان پیشین (سعدی، حافظ و...) - هر چند ناموفق - نغمه‌سرایی می‌کند. در این مقاله شرح حال وی، آشنایی شاعر با نگارش انواع خطوط و آثار به‌جا مانده از او بر روی سنگاب‌ها و الواح قبور، معرفی نسخه دیوان، محتوا و ویژگیهای سبکی و زبانی آن بیان شده؛ همچنین اوضاع فرهنگی ایران در دوره قاجار و مکتب بازگشت به صورت گذرا مورد ارزیابی قرار گرفته است.

### اوضاع فرهنگی ایران در دوره قاجار و سیر پیدایش مکتب بازگشت ادبی

قرن ۱۳ ه. ق یکی از دوره‌های رواج شعر و ادب فارسی در ایران شمرده می‌شود؛ دوره‌ای که یک قرن به طول انجامید و بازگشت ادبی نامیده شد (۷: ص ۴۷)؛ البته سیر پیدایش بازگشت و رویکردانی از سبک هندی بسیار پیش از اینها و از اواخر دوره صفویه و در اوج بحرانهای اجتماعی آغاز شد و شکل گرفت (۸: ص ۴۷). بعدها که کریم‌خان و آقا محمدخان به قدرت رسیدند و آزمایشی نسبی در ایران حکمفرما شد، سبک هندی دوران صفوی که محصول ادبی رفاه نسبی پیشه‌وران بود، به سبب هرج و مرج ناشی از سقوط صفویه و یورش افغان‌ها به ایران و سازگار نبودن با شرایط تاریخی این زمان، موجودیت خود را از دست داد و از نظر دستاوردهای ادبی فقیرترین دوران بود (۲: ص ۱۷۶ / ۱۸۹ و ۶۹).

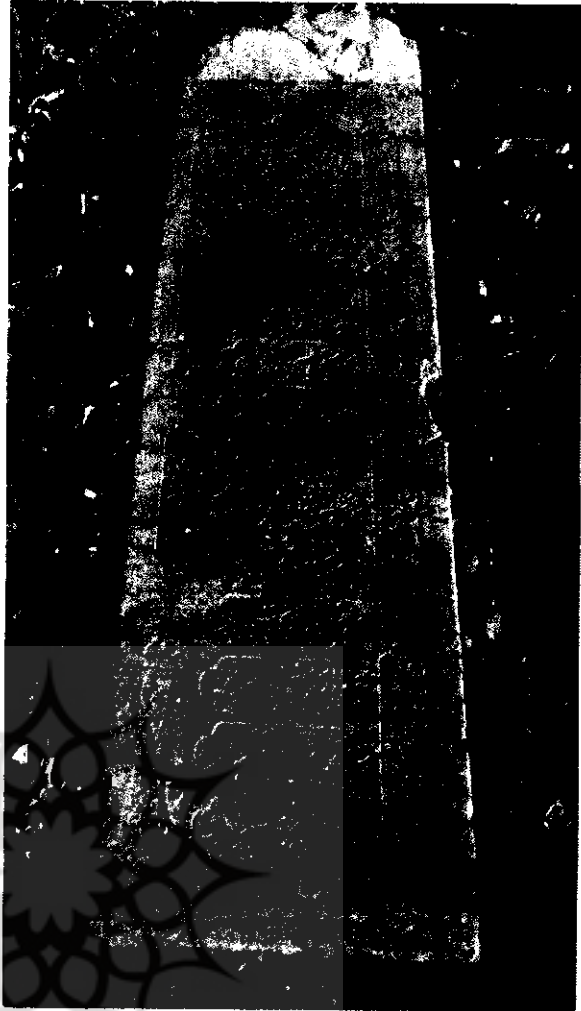
در سده ۱۳ که مورد بحث ماست، بقایای نهضت علمی و ادبی عهد صفویه و زندیه در اصفهان، بیش از سایر شهرهای ایران وجود داشت و فقط ادیبانی که پس از هجوم افغان‌ها جان سالم به‌در برده بودند، نخستین کانون شعر را در این شهر بنیاد نهادند و توانستند ادبیات فارسی را بازسازی کنند. اینان با داشتن خرد و ذوق انتقادی دریافتند که شیوه هندی دچار بن‌بست شده است و این پدیده به جان بخشیدن به سنتهای پیشین ادبی انجامید (۶: ص ۲۴۲ / ۸: ص ۱۸۸).

دوران حکومت قاجار اگرچه دوران سختی بود؛ اما «برای کشوری که ۷۰ سال دچار هرج و مرج و جنگ داخلی بود، موهبتی به‌شمار می‌آمد» (۲: ص ۲۶۳). شاهان و حکام این دوره همانند فتحعلی‌شاه، محمدشاه و معتمدالدوله حاکم اصفهان، علاوه بر حب مدح و ستایش، خودشان نیز اهل ذوق و شعر و ادب بودند و به شاعران و اربابان سخن توجه بسزا داشتند. متأسفانه شهرت شاعران این دوره منوط به خدمت درباری بود و در غیر این صورت نامشان از زمره شاعران محو می‌شد و آثارشان در معرض نابودی قرار می‌گرفت (۱۱: ص ۶۴، ۶۷ و ۶۸). شاعران در این دوره «برای جلوگیری از انقراض زبان فارسی در حقیقت به نوعی ارتجاع ادبی دست زدند که تا آخرین سالهای حکومت قاجار دوام یافت» (۷: ص ۲۲). آنها برای رسیدن به منظور خود راه دیگری جز بازگشت به سبک قدما و پیروی از شیوه استادان بزرگ نمی‌دانستند؛ بازگشتی کامل، بی‌قید و شرط و به گفته نیما «بازگشتی از روی عجز به طرف سبکهای مختلف قدیم».

شعر این دوره شعری رسمی، درباری و واقع‌گرای بود (۱: ص ۱۵). عده شاعران و سخن‌سرایان فارسی در این قرن به اندازه‌ای زیاد است که شرح حال و نمونه اشعار همه آنها در تذکرها نمی‌گنجد (۱۱: ص ۶۴)؛ فقط در جلد دوم مجمع‌الفصحای نام و شعر بیش از ۱۵۰ شاعر معروف قاجار دیده می‌شود که به قول هدایت «اغلب و اکثر مدایح شاهنشاه جمجاه فلک بارگاه است»؛ اشعاری دروغین، با حال و هوای دروغین، در جامعه‌ای دروغین و به گفته طبری «اگر مدح زنده یا هجو گزنده نیست، عشق‌هایی با احساسات مصنوعی و گاه منحرف است؛ جامعه دروغینی که بر بنیادهای پوسیده استوار است و از درون به سوی و از بیرون به سوی دیگر در حرکت است؛ وگرنه در نبوغ بسیاری از این شاعران جای هیچ‌گونه شک نیست، بیشتر شاعران نامدار این دوره بزرگانی بودند که در شرایط بد زندگی در خردی دچار فلجی شدند و در مکتب روزگار گول و واپس مانده تعلیم دیدند (۸: ص ۱۸۸ و ۱۹۲).

به هر حال بیشتر این تحولات ابتدا در حوزه ادبی اصفهان روی داد؛ اما سبک بازگشت در بسیاری از تحلیل‌های امروز با مهر تقلید آن هم به مفهوم رایجش شناخته می‌شود و گاهی حتی از سبک هندی نیز بیشتر مورد بی‌مهری و کم‌توجهی قرار می‌گیرد. این سبک گرچه مبتنی بر تقلید و تتبع است و گاهی در بعضی از متون این دوره - و تا حدودی اثر حاضر - ایستایی و افت دارد، اما بسیاری مختصات فنی را در این آثار می‌توان دید که صاحب اثران را بر یکدیگر برتری می‌دهد.

در مورد تقلید در سبک بازگشت نیز باید گفت ادبیات هر قومی را سنتی است که باعث امتیاز آن از ادب اقوام دیگر



تصویر ۱- سنگ قبر محمدحسین ضیای اصفهانی

می‌گردد؛ همان‌طور که شیوه تقلید در سبک بازگشت رنگ خاصی به ادب فارسی داده و گنجینه ادبی این مرز و بوم را بیش از پیش غنی ساخته است. اگر کار این مقلدان، تقلیدی کورکورانه و همه‌جانبه از شعر دوره پیشین باشد، بود و نبود آن یکسان است و بی‌ارزش شدن آثارشان و در نتیجه کم فروغ شدن این سبک در بین سبکهای مهم ادبیات فارسی، انکار کردنی نیست، ولی اگر اثر آنان با همه نقایص دارای امتیازاتی باشد، آن وقت دیگر نمی‌توان وجود آن را بیهوده دانست و برای آن ارزشی قایل نبود (۲۰: مقدمه، ص ۱-۲).

### شرح حال ضیا

ملا محمدحسین متخلص به ضیا، فرزند محمداسماعیل اصفهانی - ملا اسماعیل ثانی - و از نوادگان ملا محمداسماعیل خواجویی - یکی از بزرگترین علمای دوران افشاریه - است و از طرف مادر به میرزا مهدی‌خان منشی کوکب تخلص - که دره نادری و جهانگشای نمونه فضل او

است - می‌رسد. تاریخ ولادتش در جایی یاد نشده، اما آن‌گونه که در تذکرها آمده و ماده تاریخی که تاراج شاعر معروف سده ۱۳، در سوگش سروده و نقش سنگ مزارش - در تکیه فاضل هندی - شده، تاریخ وفاتش ۱۲۶۵ ه. ق است:

در بزم دهر آه از صرصر فنا

فانوس مهر و شمع وفا را ضیا نماند  
در سر شعاع دیده و در دل فروغ عقل  
در تن [سرو].....<sup>۱</sup>.....<sup>۲</sup> نماند  
چون شد ضیا..... به تاریخ.....

گفتند مرد و زن که به ما رهنما نماند  
ناگه زبان خامه تاراج زان میان  
کرد این بیان به دیده مردم ضیا نماند<sup>۳</sup>

و بنا بر گفته سید احمد دیوان‌بیک شیرازی در تذکره نفیس حدیقه الشعرا که در چهل و هشت سالگی در گذشته است (۴: ص ۱۰۷۵-۱۰۷۴/۹: ص ۸۱ و ۸۲/۱۳: ص ۲۴۲۸)، پس تاریخ ولادتش ۱۲۱۷ می‌باشد.

در تذکرها در شرح حال وی آمده است او جوانی است آسوده خصال، با همه تلخکامی، شیرین بیان و با شکستگی، درست بیان؛ باطنش چون ظاهرش مصفا، صاحب اخلاق حمیده و احوال پسندیده، رفیقی است باوقار و حریفی است سراپا صدق و صفا؛ در طریق یگانگی، راسخ و طریقه بیگانگی را ناسخ؛ در صفت تواضع و فروتنی طاق؛ از جمیع خصایل رذیله عاری؛ به تحصیل علوم راغب و در علم و کمال ساعی و ملتزمات اهل وجد و حال را داعی است. با جمیع این‌های نهن، رفیق و جهان در مراتب علمش دستی وسیع. خود را از تحصیل فنون کمالات فارغ نمی‌گذارد و علاوه بر کمالات صوری و معنوی حالش چنان پسندیده است که حجره آن مرحوم هرگز از ادبا و شعرا و فضایی عراق و فارس خالی نبود. (۴: ص ۱۰۷۵/۱۷: ص ۱۸/۷۰: ص ۱۹/۱۰۸: ص ۳۲۳).

### آثار ضیا

الف - کتیبه‌ها و سنگ‌نوشته‌ها

آنچه سبب امتیاز و برجستگی ضیا در بین شعرای سده ۱۳ شده، خوشنویسی وی بوده که در تذکرها نیز از آن یاد شده است. انواع هنر را بالطبع طالب است و از هنگامی که صفحه وجود را از میسطر عروق و عظام، مخطط و ورق روان از پی دانش، مقطع دانست هرگز سر عشر اناملش از تزیین هنر، عاطل و سر حرف دفاترش از آیه کمال، باطل نبود. انواع خطوط را خوش می‌نگارد و نسخ را که ناسخ نسخ دیگر خطوط است، خوشتر نگاشتن آرد و هفت قلم را پاکیزه بنگارد. عروس صفحه از نگارش هفت قلمش هر هفت برده و مشاطه خامه‌اش جمال صحایف را غیرت



تصویر ۲- تکیه فاضل مندی، محل دفن ضیای اصفهانی

جمعه‌های اصفهان) چسبیده به بنا و جزو بنای بقعه، سنگی است مرمر که اشعار نستعلیق خوش دارد و متعلق به ضیا شاعر خوشنویس معروف اصفهانی است؛ صاحب قبر، محمدجواد نامی است که اشعار، ردیف جواد دارد. ماده‌تاریخ این است:

کلک ضیا بهر وفاتش نوشت

جنت الاعلی است مقام جواد

[۱۲۵۲] (۲۱: ص ۴۰۶-۴۰۴)

نگارنده با مراجعه به این محل، با کمال تأسف مشاهده کرد به سبب بی‌توجهی سازمان میراث فرهنگی مکان یاد شده که تنها محل بازمانده از قدیمی‌ترین قبرستان تاریخی اصفهان است، رو به ویرانی نهاده و تمام صحن و ایوانچه‌ها تا پشت دیوار بقعه آسفالت شده و از قبور افراد بنام و بی‌نام از جمله قبر همین آقا محمدجواد، اثری به جای نمانده و محل جمع‌آوری اجناس زاید کسبه محل شده است. از این‌رو صرفاً بر ماده‌تاریخ و نام یاد شده در کتاب همایی استناد

هشت‌بهشت کرده و هفت خط او اقالیم سبغه را سیار؛ شکسته را به درستی دو استاد و نستعلیق را مثل رشیدا و عماد و نسخ را چون میرزای تبریزی می‌نوشت؛ هر که در او جوهر دانایی است

در همه کاریش توانایی است<sup>۴</sup>

(۴: ص ۱۷/۱۰۷۵؛ ص ۱۸/۷۰؛ ص ۱۹/۱۰۸؛ ص ۲۲۳). البته باید سرودن انواع ماده‌تاریخ را نیز به آنها افزود. نمونه ماده‌تاریخ‌ها و خط وی در سنگ قبور تخت‌فولاد اصفهان که برای جمعی از فضلا و افراد شهرة این شهر سروده، گواهی بر این مطلب است.

۱- تکیه خوانساری: (بقعه آقا حسین خوانساری) خط و ماده‌تاریخ قبور میرزا رحیم شیخ‌الاسلام و حوری نساییکم. ۲- تکیه شیخ محمدتقی رازی (مادر شاهزاده): (بقعه مادر شاهزاده) ماده‌تاریخ سنگ مزار مریم‌بیگم یکی از محرمان فتحعلی‌شاه معروف به مادر شاهزاده (دایه محمدمیرزا فرزند فتحعلی‌شاه، معروف به سیف‌الدوله، حاکم اصفهان) و خط و ماده‌تاریخ سنگ مزار شیخ محمدتقی رازی (تصویر شماره ۳) از بزرگترین علما و مجتهدین شیعه در قرن ۱۲ ه. ق. - صاحب «هدایة‌المُسْتَرشدین» - که ضیا با خط نستعلیق کم‌نظیر خود لوح قبر او را آراسته است. وی تنها عالم فقیهی است که سنگ لوحش از آغاز تا انجام، اشعاری فارسی به خط نستعلیق است (۲۱: ص ۱۰۸).

۳- تکیه فاضل هندی (اصفهانی): ماده‌تاریخ و خط سنگ قبر میرزا علیتقی زنجانی و متن عربی سنگ قبر ملاهدی قمیوانی نیز از ضیا است؛ که البته هم‌اکنون این دو لوح قبر در موزه سنگ تخت‌فولاد اصفهان قرار دارد.

نکته قابل توجه در مورد ماده‌تاریخ سنگ قبر علیتقی زنجانی، این است که جلال‌الدین همایی و مصلح‌الدین مهدوی این ماده‌تاریخ را متعلق به سنگ قبر شخصی با نام میرمحمد هادی دولت‌آبادی متوفی به صفر ۱۲۵۸ مدفون در جوار فاضل هندی نیز می‌دانند که نگارنده بنا بر مشاهدات خویش و گفته‌های مسئولان مجموعه تاریخی، فرهنگی و مذهبی تخت‌فولاد سنگ قبری را با این مشخصات پیدا نکرد (۱۵: ص ۹۹۸، ۲۱: ص ۳۳۰).

۴- کتیبه سنگاب رواق بقعه سید محمدباقر شفتی: واقع در مسجد سید اصفهان (تصویر شماره ۴) خط و ماده‌تاریخ آن، یکی دیگر از آثار نفیس ضیای اصفهانی است که با نهایت تأسف چهار روز پس از گرفتن تصویر از آن، این اثر تاریخی در چهار مردادماه سال ۱۳۸۵ ه. ش به سبب کم‌توجهی و سهل‌انگاری شکست.

۵- بنا بر گفته جلال‌الدین همایی، در مقبره «سر قبر آقا» (حد فاصل خیابان باب‌الدشت و خیابان مدرس اصفهان) در یکی از ایوانچه‌های شمالی پشت بقعه (متعلق به مقبره امام

شد و درستی یا نادرستی آن بر نگارنده آشکار نگشت. همچنین وی در مجلد دیگری از همان کتاب اشاره می‌کند اشعار دو کتیبه نگاشته شده به خط نستعلیق دور تخت مرمر که آن را «تخت سلیمانی» (واقع در کاخ گلستان) نیز می‌گفته‌اند، اثر ضیا است و بیان می‌کند شاید خط کتیبه هم از او باشد. او مطلع و مقطع اشعار قسمت داخل تخت را این‌گونه بیان می‌کند:

تختی از سنگ برآراست شه عرش اورنگ  
که ز غیرت زده بر شیشه نه گردون سنگ  
منشی طبع ضیا از پی تاریخش گفت  
که «سلیمان زمان داده شرف این اورنگ»  
اما قسمت خارج را با این مطلع شروع می‌کند:  
کشیده سر به فلک تخت شاه عرش اورنگ

و یا سپهر برین است بر زمین از سنگ  
(۲۲: ص ۳۶۱)

نگارنده برای پیدا کردن کل شعر یاد شده، پس از تماس با مسؤولان کاخ گلستان دریافت که به احتمال زیاد این اشعار متعلق به ملک الشعرا فتحعلی خان صبا است و پس از پیگیریهای فراوان نادرستی گفته‌هایی را این‌گونه ثابت کرد:  
دو کتیبه حجاری شده بر دیواره‌های تخت مرمر، فقط ۱۷ بیت از دو قصیده مطول معروف ملک الشعرا فتحعلی خان صبا، شاعر دربار فتحعلی شاه است که برای مدح شاه و وصف تخت مرمر، ماده تاریخ ساخت آن را سروده بود.

تخت یاد شده به سرپرستی استاد محمدابراهیم اصفهانی و عده‌ای از حجازان دیگر از جمله: استاد محمدحسین و... ساخته شده و این اشعار نیز، بر روی آن و نام تمام حجازان در پایه و روی مجسمه‌های کوچک دور تخت نوشته و حجاری شده است (۵: ص ۹۹). شاید یکی از دلایل اشتباه جلال‌الدین همایی، شباهت نام یکی از حجازها با اسم محمدحسین ضیا باشد. یکی دیگر از دلایل اشتباه استاد همایی، همانندی نگارش املائی واژه صبا و ضیا، بدون در نظر گرفتن نقطه‌های آن است؛ البته با توجه به بی‌اهمیت بودن نقطه‌گذاری در آن زمان و یا عدم رعایت نقطه‌گذاری در محل صحیح آن، این امر زیاد دور از ذهن نمی‌نماید؛ اما مهمترین و مستدل‌ترین دلیلی که گفته‌هایی را در مورد شعر و خط ضیا بر روی تخت مرمر رد می‌کند، ماده تاریخی است که هم‌زمان با ساخت تخت، سروده شده است.

با مراجعه به دیوان فتحعلی خان صبا و مشاهده متن کامل این دو قصیده<sup>۵</sup>، بی‌تی که ماده تاریخ در آن آمده، به این شکل قابل رؤیت است:

منشی طبع صبا از پی تاریخش گفت

به سلیمان زمان دید شرف این اورنگ

(۱۶: ص ۲۴۷-۲۴۴)

البته یحیی ذکاء شکل دیگری از این ماده تاریخ را با این مضمون بیان کرده: که «سلیمان زمان داده شرف این اورنگ»؛ که اولی به حساب جمل برابر با ۱۲۲۷ و دومی معادل ۱۲۲۱ ه. ق است<sup>۶</sup> (۵: ص ۹۶). با در نظر گرفتن سال وفات و سن ضیا هنگام مرگ در می‌یابیم، وی در ماده تاریخ‌های یاد شده، خردسالی بیش نبوده و حتی اگر در آن سن قریحه و ذوق شعری هم داشته، در حد یک شاعر درباری، آن هم دربار فتحعلی شاه قاجار در تهران، به‌ویژه در ردیف و همسنگ با فتحعلی خان صبا و بسیاری از شاعران آن دوره نمی‌توانسته باشد و تنها با در نظر گرفتن همین یک مطلب، گفته‌هایی رد می‌شود و شگفت اینکه وی به این نکته اصلاً توجهی نداشته است.

ب - نسخه خطی دیوان

در تذکره‌ها آمده، به مقتضای طبع سلیم و سلیقه مستقیم، در اقسام شعر، ماهر و پرکار و صاحب حال و خوش‌خیال است؛ در شیوه غزل‌سرایی، مربوط و در فن قصاید و قطعاتش فکرتی میسوط؛ قصاید چون آب روان و قطعات چون باغ جنان، زیور صفحات جهان ساخته؛ صحبتش محرک سلسله شوق و مروج طریقه ذوق است؛ در طرز تغزل و مدح، معزی را ثانی اثنتین؛ طبعی مطبوع و رسمی مرغوب و شعری با نظم و نثری با اسلوب دارد؛ در علوم باطن و ظاهر فضلا را مسحود اصاغر و اکابر و در فنون رسایل و دفاتر پیش فرد اوایل اواخر؛ در علم سیاق شهره آفاق و در فن نجوم در انواع سخن، قادر و در اجناس هنر، ماهر است و او را دیوانی است مبسوط (۴: ص ۱۰۷۵ / ۱۷ / ص ۱۸ / ۷۰: ص ۱۹ / ۱۰۸: ص ۳۲۲).

همان‌گونه که خواندید، علاوه بر آنچه گذشت اثر ماندگار و مکتوبی به شکل مجموعه اشعاری از قالبهای گوناگون شعری نیز دارد که در تذکره‌ها به آن اشاره شده است؛ اما بایسته است پیش از پرداختن به نسخه خطی دیوان وی، توضیح مختصری درباره این تذکره‌ها داده شود.

در کتاب مکارم الآثار به دو تذکره مآثر باقریه و تذکره مدایع معتمدی اشاره شده است (۱۳: ص ۲۴۲۶) که نسخه تذکره نخست به شماره ۱۷۸ مجموعه طباطبایی و نسخه تذکره دوم نیز به شماره ۱۱۹۲ در کتابخانه مجلس موجود است.

در کتاب حدیقه الشعرا نیز نام دو تذکره شمس التواریخ (از مصنفات میرزا عبدالوهاب قطره سامانی) و تذکره کنزالدرر آمده (۴: ص ۱۰۷۵) که معلم حبیب‌آبادی متذکر شده، نه از این دو نشانی هست، نه از دیوان ضیا (۱۳: ص ۲۴۲۶)؛ البته هر سه نسخه هم‌اکنون موجود است. پس از جستارهای زیاد معلوم گشت این دو اثر، متعلق به کتابخانه شخصی بوده و صاحبان آنها گمنام‌اند و دسترسی به آنها

امکان‌پذیر نیست. نگارنده در طی جست و جو برای یافتن این تذکره‌ها، با رساله‌ای روبه‌رو شد که در تعلیقات مربوط به شرح حال ضیا، نام دو تذکره دیگر افسر (نوشته میرزا خلیل افسر قزوینی) و شعرای اصفهان را مشاهده کرد (۱۲: ص ۳۳۴) که تذکره نخست شخصی بود؛ اما نسخه تذکره دوم، از کتابخانه ملی تبریز به شماره ۳۱۲۷ دریافت گردید و مورد استفاده قرار گرفت.

چنانکه اشاره شد از دیوان ضیا دو نسخه در کتابخانه‌های ملک و مجلس ملی شورای اسلامی موجود است.

#### ویژگیهای نسخه ملک

خط: شکسته نستعلیق، سده: سیزدهم، تعداد صفحات: ۱۲۵ برگ با ده مجلس تصویر، تعداد سطور ۱۴ سطر، جلد: رویه روغنی گل و بوته، کاغذ: بُستقی، اندازه: ۱۴ × ۲۱ سانتی‌متر  
آغاز: آغاز هر ستایش و عنوان هر ثنا / حمد یگانه‌ای است له العزّ والعلی  
انجام: زینهار از قرین بد زنهار / وقنا عذاب النار

#### ویژگیهای نسخه مجلس

خط: نستعلیق ریز، تاریخ: یاد نشده، تعداد صفحات: ۷۴ برگ، تعداد سطر: ۱۴ سطر، اندازه: ۱۱ × ۱۹ سانتی‌متر، قطع: وزیری.  
آغاز: به ری از ماریه ار بگری ای باد سحر / بوسه زن خاکش و زان خاک ببر کحل بصر.  
انجام: بس کن کنون و لعن بر آل زیاد کن / از خود روان سرور لب تشنه شاد کن

#### محتوای نسخه‌ها

نسخه ملک از نظر حجم مطالب، گستردگی بیشتری دارد و انواع قالبهای شعری (قصیده، غزل، قطعه، مستزاد، رباعی، ترجیع‌بند و ترکیب‌بند) را شامل می‌شود؛ اما نسخه مجلس قالب شعری قطعه ندارد و رباعی و مستزاد است. این دو نسخه کاستی‌ها و افزونی‌هایی نسبت به یکدیگر دارند. لازم به ذکر است در تذکره مآثر باقریه نمونه شعری از وی با قالب قصیده و در تذکره‌های مداخل معتمدیه و «شعراي اصفهان» نیز، قصیده‌ای یکسان آمده که در دیوان وی نیست؛ اما از نظر ویژگیهای سبکی، زبانی و محتوایی کاملاً با اشعار دیوان هم‌مانگی دارد و روشن است که متعلق به ضیا است.

#### شیوه سخن‌سرایی ضیا

الف - با خواندن دیوان ضیا کاملاً به چیرگی و احاطه کامل وی به علوم و فنون دفتری، رسایل، نجوم و سیاق که در تذکره‌ها ذکر شده، پی می‌بریم. مانند:

(نجوم): بیت‌های ۱۰ و ۱۱ قصیده چهار با مطلع:

نماز شام که خورشید شد نهران به حجاب  
درآمد از دم آن آفتاب عالم‌تاب  
(اصطلاحات دیوانی و دفتری): بیت‌های ۱۲، ۱۶، ۱۷ و ۲۵  
قصیده دوازده با مطلع:

باز از تأیید یزدان اصفهان زیور گرفت  
رونق از اسلامیان آیین پیغمبر گرفت  
ب - گرچه او همانند دیگر شاعران بازگشتی، در بیشتر اشعارش به مدح پادشاهان و حاکمان زمان پرداخته، اما در مدح ائمه نیز اشعار زیادی دارد که نشان‌دهنده اعتقادات و باورهای مذهبی وی است. مانند:

بیت ۱۱ قصیده نوزده با مطلع:  
تا به گرد روی جاتان زلف در جولان بود  
کار من چون زلف جانان بی‌سروسامان بود  
بیت ۲۱ قصیده هفتاد و یک با مطلع:  
زان پیشتر که مرغ سحر بر کشد اینین  
برخاستم ز خواب به آیین اهل دین  
بیت ۷ قصیده چهل و نه با مطلع:

کنون که سبز شد از سبزه ساحت بستان  
بخواه مطرب و ساغر ز دلستان بستان  
و ترکیب‌بند یک با مطلع:  
ای دیده خون ببار که ماه محرم است  
ای دل برآر ناله که ایام ماتم است  
ج - اشاره ضیا به بازیهای گوناگون در شعرش، نشان‌دهنده آشنایی وی با آنها و چگونگی بازیها است. مانند:

بیت ۳۳ قصیده بیست و هفت با مطلع:  
دیدم به یکی راه دو تن دوش به هم بر  
گلزار طرب با شده یک آفت و یک بر  
بیت ۳۵ قصیده هفتاد و چهار با مطلع:  
چون نوش مهر نهران شد به چرخ و بر شد ماه  
نشسته بودم و بودم به فکر روز سیاه  
بیت ۷ غزل صد و هفده با مطلع:

گر ببندند مرا پای به بندی و کمندی  
من که در بند تو باشم چه کمندی و چه بندی  
د - آشنایی وی با زبان عربی و استفاده از آیات و احادیث در اشعار. مانند:

بیت‌های ۳۲ و ۳۳ قصیده یک با مطلع:  
چو خور گردید پنهان از بسیط توده غبرا  
مرضع از کواکب شد بساط گنبد خضرا  
بیت ۳۰ قصیده سه با مطلع:

آغاز هر ستایش و عنوان هر ثنا  
حمد یگانه‌ای است له العزّ والعلی  
ه - استفاده از داستانهای قرآنی و اسطوره‌ای. مانند:  
(قرآنی): بیت‌های ۲۶ و ۲۶ قصیده یک با مطلع:

ز- در بیتهای از اشعارش، به دعانویسی اشاره می‌کند که شاید به سبب خوش خط بودنش یکی از شغل‌های وی به‌شمار می‌آمده است:

بیت ۱۴ قطعه دوازده با مطلع:

ای فلک رتبت، خداوندی که اندر روزگار

آسمان پیوسته خدام تو را تمکین کند

ح - ضیا در بیتهای از قطعه‌هایش به خط خوش خود اشاره‌ای کرده است:

بیت ۱ قطعه سیزده:

الا ای آن‌که در نیکویی خط

همه خلقت نظیر میر خوانند

ط - استفاده از آرایه‌های گوناگون ادبی نیز یکی از

ویژگی‌های شعر ضیا است. تشبیه، استعاره و تلمیح بیش از

دیگر آرایه‌ها در شعر او دیده می‌شود. مانند:

تشبیه:

گشت پنهان ماه رخسارت به زیر ابر زلف

ماه زیر ابرگاهی خویش را پنهان کند

استعاره:

نرگس پر خواب او برده ز دل صبر و شکیب

طوره پرتاب او برده ز دل تاب و توان

لف و نشر:

جان خصم و قهر تو، کین تو و جسم عدو

شبم است و آفتاب و ماهتابست و کتان

تلمیح:

چنان شد چشمه خورشید را آب از شب تیره

که پنداری دل فرعون برد آب از کف موسی

موازنه:

مویی ز خم زلفش و صد سلسله در بند

بویی ز خم جعدش و صد طبله ز عنبر

ایهام:

دهان گشود سوی قطعة الفرس تنین

شجاع و قیطس از اندیشه آمده بیتاب

ایهام تناسب:

بر لب خود بگذارد لب شیرین خسرو

لبش [آموده]<sup>۷</sup> شود گر به لب چون شکر<sup>۸</sup>

طرد و عکس:

در هر قدمی از ضعف کایم به سر کویت

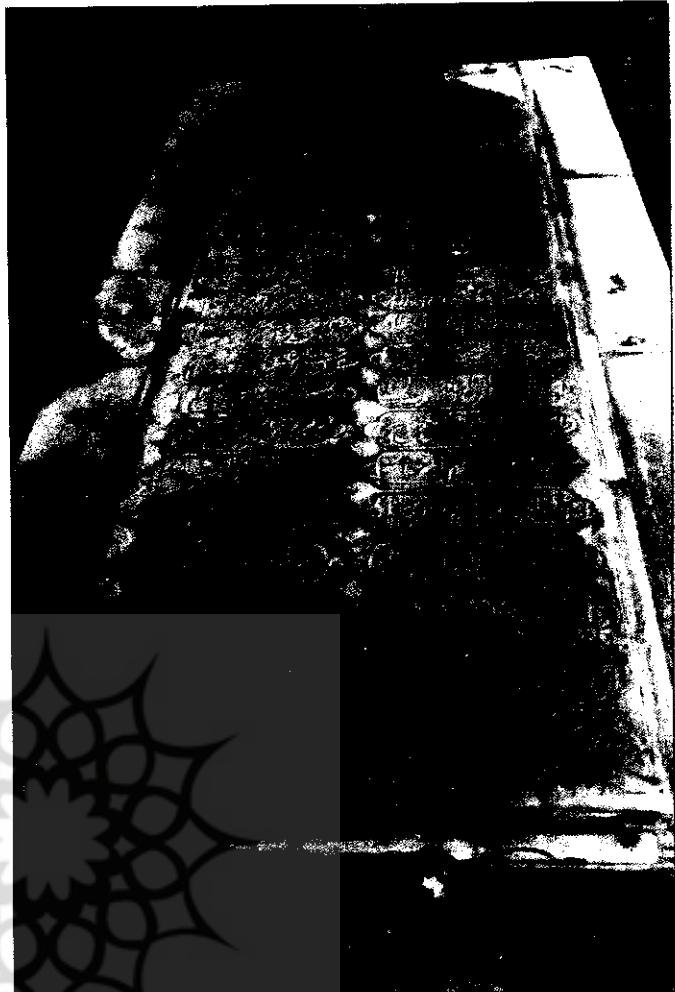
بر خیزم و بنشینم، بنشینم و برخیزم

التزام: قطعه ۲۸ با مطلع:

به حجره‌ام شتر آورد سرو سیمین تن

درون حجره تنگم شتر نمود وطن

آوردن قافیة یکسان با معانی مختلف. مانند:



تصویر ۳- سنگ قبر شیخ محمدتقی رازی

چو خور گردید پنهان از بسیط توده غبرا

مرصع از کواکب شد بساط گنبد خضرا

(اسطوره‌ای): بیت ۱۲ قصیده شش با مطلع:

گردد سوار چون شه جم اقتدار، اسب

بر توسن سپهر کند افتخار، اسب

بیت ۱۰ قصیده چهل با مطلع:

به شکر آنکه پدیدار شد مه شوال

بخواه جام هلالی ز باده مالامال

و-مفاخره، از موضوعات جذاب شعر فارسی است. ضیا هم،

گاه خویش را از انوری و معزی و... برتر می‌داند. مانند:

بیت ۳۲ قصیده بیست و سه با مطلع:

ای بی‌لب لعل تو مرا دیده گهربار

بازآی و پی پرسشتم از لعل گهربار

بیت ۱۴ قصیده بیست و نهم با مطلع:

به ری از ماریه از بگذری ای باد سحر

بوسه زن خاکش و زان خاک ببر کحل بصر



تصویر ۴- سنگاب تاریخی مسجد سید به خط ضیا

#### قطعهٔ هجدهم

شد چهر باغ و راغ دگر باره زرد رنگ  
 باد خزان ز ساحت این هر دو برد رنگ  
 در دشت جای سبزه نه جز جای پای گور  
 در کوه جای لاله نه جز نقش سم رنگ  
 زین پیش داشت زاغ اگر از نعیم عار  
 زین پیش داشت زاغ اگر از بهشت رنگ  
 این را نماند هیچ بجز شاخ خشک سهم  
 وان را نماند هیچ بجز برگ زرد رنگ  
 مدغم به جسم خاک درین فصل هرچه رنج  
 مضمهر به جان آب درین وقت هر چه رنگ  
 آن باغ و راغ را که چو چهر حبیب بود  
 ایدون نگر که گشت چو روی رقیب رنگ  
 غیر از زیان نیافته اطفال راغ سود  
 غسیر از ضرر ندیده جوانان باغ رنگ  
 یابند باغ و راغ ز رنج خزان امان  
 گر جا کنند همچو من اندر پناه رنگ

«باغ مرا چه حاجت سرو و صنوبر است  
 شمشاد خانه پرور ما از که کمتر است»  
 و پیروی از غزل سعدی (۱۰: ص ۴۰۸) با مطلع:  
 «این بوی روح پرور از آن خوی دلبر است  
 وین آب زندگانی از آن حوض کوثر است»  
 برخی از شیوه‌های رسم الخط و املائی  
 جمع الجمع: دُررها، اعمالها  
 چسباندن را به واژهٔ پیش از خود: جهانرا، کمانرا  
 چسباندن این و آن به واژهٔ پس از خود: اینعالم، آنزمان  
 آوردن «ة» به جای «ت» کشیده: زکوة، جهة  
 نیاوردن «ه» صفت مفعولی + است: ننمود است (ننموده است)  
 نیاوردن «ه» غیرملفوظ + ها (نشانهٔ جمع): نغمها (نغمه‌ها)  
 آوردن «چه» به جای «چو»:  
 به پیش رای مهر و به نزد طبع تو عمان  
 چه ذره پیش خورشید است و قطره دربر دریا  
 چسباندن حرف اضافهٔ «به» به واژهٔ پس از خود: بانتهها (به انتها)  
 برخی غلط‌های نگارشی نسخه  
 صیط (صیت)، جاسی (جاشی)، خورده (خُرده)

#### تأثیر پذیری ضیا از شعرای پیشین

پیروی از شعر پیشینیان و بزرگان ادب فارسی که یکی از سنت‌های مکتب بازگشت است، در اشعار وی نیز مشاهده می‌شود. مانند غزل بیست‌وسه با مطلع:

باد صبا مسیح‌دم و روح پرور است

با او مگر نسیم سر زلف دلبر است

به پیروی از غزل حافظ (۳: ص ۵۷) با مطلع:

#### نتیجه‌گیری

آنچه نگارنده را بر آن داشت که تصحیح نسخهٔ خطی را عهده‌دار شود نخست، علاقه‌مندی به تاریخ پیشینیان به‌ویژه تاریخ ادبی اصفهان و احساس وظیفه در ماندگاری و زنده‌داشت یک اثر ادبی و در حقیقت ماندگاری نام شاعری از میان هزاران شاعر ایران‌زمین است. حال نگارنده تا چه



حد از عهده این مهم برآمده است صاحبان خرد و اندیشه و اهل قلم باید داوری کنند.

شاید تمامی نسخه‌ها از یک ارزش ادبی بهره‌مند نباشند؛ اما به‌طور یقین در تمام آثار ادبی حتی از دوره بازگشت، کلامی - هر چند اندک - می‌توان یافت که سودمند بوده و ارزش ماندگاری داشته باشد.

ضیا گرچه از مکتب بازگشت برخاسته و دیوانش مانند بسیاری از شاعران آن روزگار، لبریز از تکرار واژه‌ها و مفاهیم شاعران پیشین است؛ اما این تکراری است که اگر شاعران و نویسندگان «دوره بازگشت» در آثارشان نمی‌آوردند، شاید امروز بسیاری از این مفاهیم و الفاظ، مهجور و فراموش شده بود. از سویی دیگر، تکرار مدح‌ها و ستایشهای غزنوی‌گونه برای حاکمان و پادشاهان متکبر و متبخر روزگار قاجار که سرانجام همانند دیگر سلسله‌ها نیست و نابود گشتند، این نکته را به ما یادآور می‌شود که مدیحه‌سرایی‌ها و پادشاهی‌ها با همه شکوه و عظمت ظاهری‌اش نمی‌پاید همان‌گونه که ما نیز نمی‌پاییم.

با گذری بر تخت‌فولاد اصفهان که از اراضی متبرکه است، هزاران خفته در خاک را می‌بینیم که گذر زمان بر قبورشان گرد فراموشی پاشیده است و در شمال بقعه فاضل هندی (اصفهان) مزار مردی را می‌بینیم که زمانی شعرش حلاوت محافل شاهان و حاکمان و خطش زینت بخش الواح قبور بسیاری از بزرگان عصر خویش بوده است و گذر روزگار و بی‌توجهی حاکمان آن، سنگش را شکسته و بیشتر خطوط حجاری شده روی آن را ناخوانا کرده است؛ لوح قبر محمدحسین متخلص به ضیا مردی از زمانی نه چندان دور، از دوران بازگشت (تصویر شماره ۱).

### پی‌نوشت

- ۱- در سنگ‌نوشته چنین می‌نماید.
- ۲- قسمتهایی که در این شعر به شکل نقطه‌چین «...» آمده، در سنگ‌نوشته ناخوانا است.
- ۳- در آن زمان حرف اضافه «به» چسبیده به واژه پس از خود نوشته می‌شده؛ از این رو «به» غیرملفوظ آن، در حساب جمل گنجانده نمی‌شد.
- ۴- این مصرع در بیت ۱۹۴۶ مخزن‌الاسرار نظامی، نوشته برات زنجانی به این شکل است: «بر همه چیزیش توانایی است.»
- ۵- مطلع قصیده نخست: «کشیده سر به فلک تخت شاه عرش اورنگ / و یا سپهر برین است بر زمین از سنگ» و مطلع قصیده دوم: «تختی از سنگ برآراست شه عرش اورنگ / که ز غیرت زده بر شیشه نه گردون سنگ» است.
- ۶- یحیی ذکاء سال ماده تاریخ اولی را ۱۲۲۶ ه. ق بیان کرده است.
- ۷- هر دو نسخه: آلوده.
- ۸- این مصرع در نسخه مجلس به این شکل است: «لبش آلوده شود بر لب همچون شکر».

### منابع

- ۱- آربن پور، یحیی. از صبا تا نیما، ۲ مجلد، جلد ۱، چاپ چهارم، زوار، تهران، ۱۳۷۲.
- ۲- براون، ادوارد. تاریخ ادبیات ایران، ترجمه بهرام مقدادی، تحشیه و تعلیق ضیاءالدین سجادی و عبدالحسین نوایی، ۴ مجلد، جلد ۴، چاپ اول، مروارید، تهران، ۱۳۶۹.
- ۳- خطیب رهبر، خلیل. دیوان غزلیات خواجه حافظ شیرازی، چاپ ششم، کتابفروشی صفی‌علی‌شاه، تهران، ۱۳۶۹.
- ۴- دیوان‌بینگی شیرازی، سید احمد. تذکره حدیقه‌الشعرا، ۳ مجلد، جلد ۲، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۵.
- ۵- ذکاء، یحیی. تاریخچه ارگ سلطنتی تهران و راهنمای کاخ گلستان، انجمن آثار ملی (۷۸)، تهران، ۱۳۴۹.
- ۶- ربیکا، یان. تاریخ ادبیات ایران، ترجمه خسرو کشاورزی، چاپ اول، گوتبرگ و جاویدان خرد، ۱۳۷۰.
- ۷- سجادی، ضیاءالدین و طلعت بصری. سبکها و مکتبهای دُر دری، آرمان، تهران.
- ۸- شمس لنگرودی، محمد. مکتب بازگشت، تهران، ۱۳۷۲.
- ۹- عقیلی، سید احمد و محمدرضا نیلفروشان. با ستارگان (راهنمای تخت فولاد اصفهان)، چاپ اول کانون پژوهش، اصفهان، ۱۳۸۳.
- ۱۰- فروغی، محمدعلی. غزلیات سعدی، چاپ پنجم، قفس، تهران، ۱۳۸۴.
- ۱۱- محجوب، محمد. دیوان سروش اصفهانی، ۲ مجلد، جلد ۱، امیرکبیر، ۱۳۴۰.
- ۱۲- مسجدی، حسین. «احیا و تحشیه تذکره مآثر الباقریه»، پایان‌نامه دکترای دانشگاه اصفهان گروه زبان و ادبیات فارسی، ۱۳۸۰.
- ۱۳- معلم حبیب‌آبادی، میرزا محمدعلی. مکارم‌الآثار، ۸ مجلد، جلد ۷، چاپ اول، انجمن کتابخانه‌های عمومی اصفهان، اصفهان، ۱۳۷۴.
- ۱۴- منزوی، احمد. فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ۶ مجلد، جلد ۳، مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای، تهران، ۱۳۵۰.
- ۱۵- مهدوی، مصلح‌الدین. دانشمندان و بزرگان اصفهان، ۲ مجلد، جلد ۲، چاپ اول، گلدرسته، اصفهان، ۱۳۸۴.
- ۱۶- نجاتی، محمدعلی. دیوان ملک‌الشعرا فتحعلی‌خان صبا، اقبال، تهران، ۱۳۴۱.
- ۱۷- نسخه خطی، تذکره الشعرا اصفهان، شماره ۳۱۲۷، کتابخانه ملی تبریز.
- ۱۸- نسخه خطی، تذکره مآثر باقریه، شماره ۱۷۸ مجموعه طباطبایی، کتابخانه مجلس ملی شورای اسلامی.
- ۱۹- نسخه خطی، تذکره مدایح معتمدیه، شماره ۱۱۹۲، کتابخانه مجلس ملی شورای اسلامی.
- ۲۰- نورانی وصال، خسرو و شیرین شعله، کتابفروشی معرفت [بی‌تا] شیراز.
- ۲۱- همایی شیرازی، جلال‌الدین. تاریخ اصفهان، مجلد اینیه و عمارات، چاپ اول، هما، تهران، ۱۳۸۱.
- ۲۲- همایی شیرازی، جلال‌الدین. تاریخ اصفهان، مجلد هنر و هنرمندان، چاپ اول، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۵.